بسم‌الله الرحمن الرحیم

# پدر مهربان

## ابن‌سینا را به دنیا بشناسانید!

**امروز در ایران مثلاً در محیط‌های دانشگاهی و علمی ما فلسفه‌ کانت به‌مراتب رایج‌تر و شناخته‌شده‌تر است از فلسفه‌ بوعلی سینا.** یعنی ابن‌سینای با این عظمت که همه‌ تاریخ بشر، از هزار سال پیش به این‌طرف، با اسم او درگیر است، در مجامع دانشگاهی ما حکمت و فکر فلسفی‌اش شناخته‌شده نیست... این یک مسئله‌ مهمی است. ما باید عکس این را عمل کنیم. یعنی باید **هدف را این قرار بدهیم که تفکر فلسفه‌ اسلامی... در دنیا به عنوان گفتمان فلسفی شناخته شود**، در دانشگاه‌ها رواج پیدا کند، متفکرین عالم از آن‌ها مطلع باشند، روی آن‌ها بحث کنند، نقد و انتقاد کنند، در مجلات علمی‌شان منعکس شود.

(امام خامنه‌ای، ۲۳/۱۱/۱۳۹۱)

# برای دوستم چی بفرستم؟

از خدا پروا کنید

تا  پَر، وا کنید...

«شهید چمران»

# خنده این شماره؛

از دوستم پرسیدم چرا موهات سیخ‌سیخیه؟ مؤدبانه گفت: یکی‌شون سفید شده، بقیه به احترامش وایسادن!

باور کنید تا حالا این‌قدر قانع نشده بودم!

# مراقبه؛

## مراقب باش، رسیدیم ته خط!

جوابای کنکور اومده، یه عده از این‌که نتیجه تلاش‌شون رو گرفتند، خوشحال‌اند. یه عده‌ حسرت می‌خورند که چرا تلاشی نکردند.

آقا راستی واقعاً مگه کنکور همه دنیاست؟ یا مگه کنکور ته خطه؟ یا مگه سال بعد نمی‌شه کنکور داد؟ کنکور یه مثاله تا ما باور کنیم زمانی‌که وقت دنیا تموم می‌شه و خدا می‌گه بنده‌ها! ورق‌ها بالا، بفهمیم که اگه قبل از امتحان، خوب درس نخونده باشیم، چه‌قدر حسرت می‌خوریم؛ **حسرت در کنکور خدا که هم تمام دنیاست و هم ته خطه و هم سال بعدی براش وجود نداره. راستی چه‌قدر زود این یه سال برای کنکوری‌ها گذشت؟!**

بچه‌ها مراقب باشیم که اگه از الآن برای کنکور واقعی خوب درس نخونیم و توشه جمع نکنیم، ته خط کم می‌آریما.

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری

## کفش طبی در ارتفاعات کانی‌مانگا!

رزمندگان در شب عملیات والفجر چهار نه‌‌فقط با دشمن که با شیب و ارتفاع زیاد کانی‌مانگا هم مواجه بودند.

چند سال بعد برای تفحص پیکرهای شهدا به آن‌جا رفتیم. از صبح زود حرکت بودیم، ولی ظهر در اوج خستگی رسیدیم. خواستیم استراحت کنیم تا نفس تازه‌شود که چشم‌مان به پیکر شهیدی افتاد که کفش طبی داشت. **تعجب کردیم آن شب چه‌طور در زیر آتش دشمن،‌ دلاورانه خود را با این کفش‌های مخصوص افراد معلول که با میله‌ها به کمر بسته می‌شود،‌ به این بالا رسانده است!**

پلاک نداشت. می‌دانستیم آن شب،‌ لشکر ۱۴ امام حسین این‌جا بوده. به یگان‌شان که اطلاع دادیم، سریع شناختندش:

او نوجوانی بود که با اصرار زیاد به عملیات آمد...

بازنویسی از کتاب تفحص،‌ حمید داودآبادی

### هوش و سرگرمی

## یک معما، یک چیستان

### چیستان

این سر کوه ارّه ارّه، آن سر کوه ارّه ارّه، میان کوه گوشت برّه؟

###  معما

شخصی مدت هفت شب در مهمان‌خانه‌ای منزل می‌كند و چون پول نقد برای پرداخت كرايه هتل را ندارد، قرار می‌گذارد از هفت حلقه به‌هم‌پيوسته طلا كه به همراه دارد، هر شب يكی از آن‌ها را به جای كرايه به هتل‌دار بپردازد. اما می‌خواهد بيش از يک بار آن حلقه‌ها را از هم نگسلد.

سؤال: چه‌طور چنين چيزی ممكن است؟

راه‌نمایی: مثلاً شب اول حلقه‌ها را از وسط باز می‌کند و یکی را در آورده و به هتل‌دار می‌دهد و 2 تکه به‌هم‌پیوسته برایش می‌ماند. شب‌های بعدی باید هر شب یکی به حلقه‌هایی که داده اضافه کند بدون این‌که روی آن دو تکه تغییری ایجاد کند.

پاسخ چیستان:

دندان‌ها و زبان

پاسخ معما:

شب اول حلقه سوم را درمی‌آورد و به هتل‌دار می‌دهد.حلقه‌های به‌هم‌پیوسته 2 تایی و 4 تایی برایش باقی می‌ماند. شب دوم 2 حلقه را می‌دهد و یک حلقه را پس می‌گیرد. شب سوم دوباره یک حلقه را هم می‌دهد. شب چهارم 4 حلقه را می‌دهد و بقیه را پس می‌گیرد. شب پنجم یک حلقه را دوباره می‌دهد. شب ششم 2 حلقه را هم می‌دهد ولی یک حلقه را پس می‌گیرد. شب هفتم یک حلقه را دوباره می‌دهد.

# یک پیشنهاد

## پرسش‌های سعید

عنوان کتاب: پرسش‌های سعید / مؤلف: مهدی زیرکی / ناشر: بوستان کتاب/ تعداد صفحات: 64 صفحه/ قیمت:4050 تومان، چاپ 1393

نویسنده با قلمی ساده و روان 21 خاطره شیرین از دو نوجوان، سعید و امیرحسین نقل می‌کند. آن دو که در سال سوم راه‌نمایی درس می‌خوانند، همواره در پی یافتن چرایی رویدادها هستند؛ **در مورد هر حادثه‌ای می‌اندیشند و سؤال‌هایی مطرح می‌سازند و برای دست‌یافتن به پاسخ آن‌ها هر کوششی می‌کنند**. شما با خواندن این کتاب می‌توانید با سؤالاتی آشنا ‌شوید که شاید سؤال‌های شما هم بوده‌اند، ضمناً این کار سعید و امیرحسین می‌تواند الگوی خوبی برای روحیه جویندگی دانش و دانش‌آموزی باشد.

# دانستنی‌ها

## پروانه‌ها چگونه طعم چیزها را حس می‌کنند؟

• با شاخک‌های‌شان

• با پاهای‌شان

• با زبان‌شان

• با چشمان‌شان

پروانه‌ها با پاهای‌شان چیزها را می‌چشند! **پروانه علاوه بر استفاده از پاها برای مزه کردن دو راه هم برای لمس کردن و بویایی دارد. این دو راه استفاده از پوزه و شاخک است.** پوزه زبان دراز و حلقه‌زده‌ای است که زمانی که پروانه از شیره و شهد تغذیه می‌کند، شبیه نی می‌شود. شاخک پروانه با لمس کردن مواد غذایی برای پیدا کردن واکنش‌های شیمیایی هشداردهنده و بوییدن رایحه که درباره خطرات احتمالی هشدار می‌دهد، به مکان‌یابی منابع غذایی کمک می‌کند.
بازنویسی از: 020.ir

# حکایت

## هواداران پیاز گندیده!

روزی حکيمی به شاگردانش گفت:

«فردا هرکدام يک کيسه بياوريد و **در آن** **به تعداد آدم‌هايی که دوست‌شان نداريد و از آن‌ها بدتان مي‌آيد، پياز قرار دهيد**!»

روز بعد همه همين کار را انجام دادند و حکيم گفت:

«هر جا که می‌رويد، اين کيسه را با خود حمل کنيد.»

 شاگردان بعد از چند روز خسته شدند و به حکيم شکايت بردند که:

«**پيازها گنديده و بوي تعفن گرفته‌است و ما را اذيت می‌کند**.»

حکيم پاسخ زيبايی داد:

«اين شبيه وضعيتی است که شما کينه ديگران را در دل نگه داريد.»

**کينه، قلب و دل انسان را فاسد می‌کند و بيش‌تر از همه خود فرد را اذيت خواهد کرد. پس «ببخشيم» و «بگذريم» تا «آزار» نبينيم﻿.**

# یادداشت اول

## هردمبیلی‌ها!

«همین‌جوری»، «نمی‌دانم»، «چه فرقی می‌کند؟» و... این‌ها جواب‌هایی است که این‌روزها زیاد می‌شنویم. از آنان‌که برگه‌های انتخاب رشته کنکور را پر می‌کنند تا حتماً قبول شوند. درحالی‌که شهر و رشته و آینده و حتی هدف‌شان هم از ادامه تحصیل نامعلوم است. نه می‌دانند و نه‌حتی لازم می‌دانند برای روزهایی که می‌گذرانند، هدفی ترسیم کنند و همین‌جور هردمبیل به زیست‌شان ادامه می‌دهند.

**«مدرسه»، «دانشگاه»، «باشگاه»، «اینترنت» و... همه‌و‌همه وسیله‌اند؛ وسیله‌هایی که اگر راننده آن‌ها نداند به کدام سمت می‌راند، او را از هدف دور و دورتر می‌کنند.**

روزهای‌مان پر شده از کارها و دغدغه‌هایی که بی‌هدف‌اند و برای‌شان برنامه‌ای نداریم و بی‌سرانجام هم رهای‌شان می‌کنیم. و **هیچ جایی نمی‌گذاریم برای شناخت خودمان، هدف‌مان، آفرینش‌مان و زمان اندک‌مان برای آدم بودن.**

# احکام

## یازده رکعت ساده

فکر می‌کند خواندن نماز شب آن‌قدر کار سختی است که حتی یک بار در هفته هم سمتش نمی‌رود، چه رسد به هر شب.

درحالی‌که یازده رکعت نماز شب خیلی ساده است و در آن، استغفار، دعا و حتی خواندن سوره بعد از حمد نیز شرط نیست.

متن دقیق رساله:

در نماز شب، سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیت شرط نیست، بلکه‌کافی‌است که در هر رکعت بعد از نیت و تکبیرةالاحرام، سوره‌ ‌حمد قرائت شود و اگر خواست بعد از قرائت حمد، یک سوره از سوره‌های قرآنی را هم قرائت کند و رکوع و سجود و ذکر آن‌ها و تشهد و سلام به‌جاآورد.

رساله آموزشی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بخش قبله و اقسام نمازها

# در محضر اهل‌بیت

##  نان و شمشیر

**برای پدری که ما را با نانِ حلال بارآورده، اگر تا کمر خم بشویم، کارِ خاصی نکرده‌ایم؛** آن‌هم در دنیایی که آدم مدام وسوسه می‌شود از میان‌بُر برود تا کم‌تر زحمت بکشد.

\*\*\*

خرجِ زندگی امام‌صادق (علیه‌السلام) زیاد شده بود. تصمیم گرفتند غلام‌شان را با هزار دینار به مصر بفرستند تا با تجارت، سروسامانی به زندگی‌شان بدهند. غلام و کاروانش باخبر شدند جنسی که خریده‌اند، کم‌یاب شده. خوش‌حال از این‌که مردم محتاجِ آن جنس‌اند، هم‌قسم شدند به سودی کم‌تر از صددرصد آن را نفروشند! همین کار را هم کردند. غلام دو کیسه، یکی اصل سرمایه و دیگری صددرصد سود، مقابلِ امام نهاد و ماجرا را گفت. امام با ناراحتیِ تمام فرمودند: «سبحان‌الله! شما چنین کاری کردید؟! نه، من هم‌چو تجارت و سودی را هرگز نمی‌خواهم.»

امام یکی از کیسه‌ها را برداشتند و گفتند این سرمایه من است. به آن دیگری دست نزدند. بعد به غلام فرمودند:

**مجالدة السیوف اهون من طلب الحلال[[1]](#footnote-1)**

شمشیر زدن آسان‌تر از کسبِ حلال است.

قدرِ نانِ حلال‌مان را می‌دانیم؟

# در محضر قرآن

##  عزیز

**دوست داری عزیز بشوی؟** دوست داری تحویلت بگیرند؟ دوست داری مداحِ دشمن هم تو را ستایش کند؟

\*\*\*

هشام، ولی‌عهد قدرت‌مند بنی‌امیه، می‌خواست در طوافِ کعبه دستش را به حجرالأسود برساند. هرچه کرد، نتوانست. لحظاتی نگذشت که امام زین‌العابدین آمد. جمعیت به‌سرعت برایش کوچه باز کردند. همراهانِ حیرت‌زده هشام پرسیدند او کیست. هشام از سرِ غرور خودش را به ندانستن زد. اما فرزدق، شاعرِ دستگاهِ بنی‌امیه، غیرتی شد و گفت: لکن من او را می‌شناسم. او درجا قصیده‌ای جان‌دار و بلند در وصفِ مردِ صف‌شکن گفت. حقوق فرزدق را حذف کردند و او را به زندان افکندند. زین‌العابدین سلام‌الله‌علیه مبلغی پول برایش فرستادند. فرزدق آن را نپذیرفت. امام می‌دانست فرزدق این عملِ حماسی را از سرِ اعتقاد انجام داده ولی مبلغ را به او داد تا به کارش ادامه دهد و برکتِ زندگی‌اش شود.[[2]](#footnote-2)

یک‌کلام؛ آن‌هم این‌که **اگر عزت می‌خواهی، دستِ هیچ‌کس نیست، جز خدا:**

**مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا[[3]](#footnote-3)**

كسى كه عزت مى‏خواهد، پس [بايد آن را از خدا بخواهد، زيرا] همه عزت ويژه خداست‏.

## سؤالات

۱-در محضر قرآن- عزت...

۱.دست هیچ‌کس نیست؛ دست بالای دست بسیار است!

۲.فقط دست خداست.

۳.با تلاش بیش‌تر به دست می‌آید.

۲-در محضر اهل بیت-درباره کسب حلال کدام گزینه صحیح است؟

۱.کسب حلال آسان‌تر از شمشیر زدن در راه خداست.

۲.شمشیر زدن در راه خدا، آسان‌تر از کسب حلال است.

۳.کسب حلال،‌ مقدمه جهاد در راه خداست.

۳-احکام-انجام ندادن کدام‌یک از موارد زیر در نماز شب اشکال دارد؟

1. استغفار و دعا در قنوت نماز وتر
2. تشهد و سلام
3. خواندن سوره بعد از حمد

**۴-یادداشت اول-**چه کسی «هردمبیلی» نیست؟

1. کسی که برای کارهایش هدف دارد.
2. کسی که می‌خواهد فقط در دانشگاه قبول شود.
3. کسی که بی‌برنامه به مدرسه می‌رود.
1. بحارالانوار، ج 11، ص 121 [↑](#footnote-ref-1)
2. بحار، ج 11، ص 36. [↑](#footnote-ref-2)
3. فاطر 10 [↑](#footnote-ref-3)